

## پیام یک سرباز دور از وطن به مادران و پدران، خواهران و برادران، دختران و پسران و همه فرزندان ایران

هم میهنان عزیز! در این موقعیت استثنایی که کشورمان در یک حرکت سرنوشت ساز تاریخی قرار دارد، این وظیفه شماس که بایستی از فرزندان، برادران، پدران و دیگر بستگان خود که در خدمت نهادهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی هستند، مصرانه بخواهید که در مقابل مردمی که برای آزادی مملکت خود به پا خاسته اند، دست به خشونت نزنند و در سرکوب مردم با حاکمان رژیم جمهوری اسلامی همراهی نکنند

به آنها بگوئید و بفهمانید که کسانی که برای آزادی ایران به پا خاسته اند همه ایرانی هستند و می خواهند حکومت ظلم و ستم و استبداد دینی را برچینند و از میان بردارند.

به آنها بگوئید، مردمی که به خیابانها می آیند و فریاد آزادی و حکومت ایرانی سر میدهند، مردمی هستند که می خواهند ملت ایران خود سر رشته دار امور مملکت خویش باشند و دست بیگانگان و بیگانه تباران را از حکومت کشورشان کوتاه کنند.

به آنها بگوئید، آنانی که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قیام کرده اند، فرزندان این آب و خاک هستند که میخواهند همه مردم ایران، در رفاه و آسایش و امنیت باشند. حکومتی مردمی و سکولار بر مبنای منشور جهانی حقوق بشر در مملکت خود بر پا دارند.

به آنها بگوئید: ای برادران پاسدار و افراد نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و بسیجی که تیر و تفنگ به دست گرفته اید و در برابر مردم به پا خاسته ملت خود ایستاده اید، شما هم فرزندان این سرزمین هستید. و یادتان باشد که حق و حقوق شما و خانواده

هایتان هم همراه با سایر مردم ایران توسط همین رژیم پایمال شده است.

از آنها بخواهید که نگاه کنند و ببینند که زمامداران نظام جمهوری اسلامی چه کسانی هستند؟ آخوندهایی که عمامه سیاه دارند و خود را اولاد پیغمبر اسلام قلمداد میکنند، کسانی هستند که در زادگاه پدران خود هیچ اعتبار و جایگاهی ندارند، و حتی اجازه بازگشت به خانه اجدادی خود را ندارند، چه رسد به این که بخواهند بنام پدران خود فرمانروایی کنند!

اما در کشور ما، رهبر مملکت ایران یک سید اولاد پیغمبر است. ریاست قوه مقننه کشور ما یک معاود عراقی است. ریاست قوه قضایی ما یک معاود عراقی است. بسیاری از فرماندهان سرکوبگر سپاه و بسیج و اطلاعات را نیز معاودین عراقی سرپرستی می کنند. و اگر به این جمع افراد حزب الله لبنان و حماس و جهاد اسلامی فلسطین و ماموران اطلاعاتی روسیه و چین را که به کمک حکومت اسلامی آخوندی آمده اند، اضافه کنیم، پی به فاجعه ای که بر سر مردم ایران می رود خواهید برد.

از فرزندان راستین ایران که در نهادهای نظامی و اطلاعاتی و غیره مشغول انجام وظیفه هستند و هر یک از آنها به یک خانواده ایرانی تعلق دارند، بخواهید که دست از حمایت رژیمی که بر علیه منافع و مصالح کشورشان عمل میکنند بردارند. از خشونت و سرکوب کسانی که برای خاطر آزادی مملکت خود به پا خاسته اند که مملکت آنها نیز هست، خودداری کنند و با هم میهنان خود که برای نجات مملکت قیام کرده اند همراه و همگام گردند.

همه خانواده های ایرانی موظف هستند به افراد خانواده خود بفهمانند که جمهوری اسلامی چگونه حکومتی است. حکومتی که طی سی سال گذشته جز فقر و بدبختی و ذلت ارمغانی برای ملت ما نداشته و

کارنامه آن جز زندان و شکنجه و قتل فرزندان ایران، غارت و چپاول ثروت مملکت و بی آبرو کردن ملت ایران نزد جهانیان نبوده است.

بایستی به آنها بفهمانند که در کنار چنین رژیم ایستادن و برای پایدار نگهداشتن حکومتی که هیچ نوع علائقی به ایران و ایرانیت ندارند، گناهی است ناجنشدنی و فراموش نشدنی. داغ ننگ همکاری با این رژیم هرگز از دامن خانواده هایی که با آن همکاری کرده اند پاک نخواهد شد. مردم خائنین کشورشان را مثل گذشته دیگر فراموش خواهند کرد.

پاسداران و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و بسیجی، اگر به درستی بدانند که در صورت دست برداشتن از حمایت این رژیم و خودداری از دستگیری و شکنجه و کشت و کشتار مبارزان، رژیم و آخوندهای وابسته به آن قادر به ایستادگی در برابر عزم و اراده مردم ایران نخواهند بود، هرگز با این رژیم همکاری نخواهند کرد. از اینرو بایستی آنها را آگاه ساخت.

در این اوضاع و احوال، آنچه خانواده ها، از فرزندان خوب خود که در سازمانهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی هستند، می باید بخواهند، این است با مردم میهن خود که برای آزادی و داشتن یک حکومت مردمی و سکولار تلاش می کنند، همراه و همصدا شوند. زیرا مردمی که علیه این رژیم به پا خاسته اند، به خاطر مصالح و منافع امروز و فردای همه مردم ایران است که خود افراد این نهادها هم از جمله همین مردمانند.

من این پیام را با این یاد آوری خطاب به فرماندهان سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و بسیج به پایان می رسانم، با این امید که سخن از دل بر آمد ام به دل آنها بنشیند و به این ندای میهنی پاسخ مثبت بدهند :

یادمان هست! که در زمان حکومت اسلامی بنی عباس، در قیام شجاعانه مردم آذربایجان به رهبری بابک

خرمدین علیه آن حکومت، افشین یکی از سرداران مزدور ایرانی در خدمت و حمایت از خلیفه وقت باعث دستگیری و کشته شدن بابک، این ایرانی پاکباز و دلیر و مهین دوست شد. دیدیم که خود افشین پس از آن واقعه چه سرنوشتی پیدا کرد. او علاوه بر این که جان خود را با حقارت از دست داد، قرنهایست که لعن و نفرین ملت ایران را نیز به دنبال نام خود می کشد و از منفورترین ایرانیانی بشمار می رود که در خدمت حکام بیگانه و علیه مردم خود بود. دریغ است که در سرزمین اهورایی ما، پس از تجربه تلخ سرنوشت افشین و افشین های دیگر باز هم کسانی از سرداران ما بخواهند راه او را دنبال کنند.

امروزه وقت آن رسیده که همه ایرانیان دست به دست هم بدهیم تا این رژیم انیرانی را از صحنه تاریخ کشورمان براندازیم و طرحی نو با اندیشه های ایرانی برای سرزمینمان در اندازیم.

پاریس،

بیستم بهمن ماه 1388 - هوشنگ معین زاده